

ما از عدالت سهمی داریم سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۵۹

۲۴ آبان ۱۴۰۰ / ۱۵ نوامبر ۲۰۲۱

حقوق ما

آبان تریبونال



در این شماره می‌خوانید:

چرا به «دادگاه‌های مردمی» نیاز داریم؟

حمید صبی: هدف از دادگاه مردمی آبان، سخت‌تر شدن شرایط برای جنایت‌کاران است

بهار صبا: برگزاری دادگاه مردمی آبان، اقدام مهمی برای مقابله با بحران مصونیت است

شادی صدر: برگزاری دادگاه مردمی آبان، گامی بزرگ در جهت روشن شدن حقیقت بود

محمود امیری مقدم: دادگاه مردمی آبان مانع از پنهان‌کاری حکومت ایران درباره حقایق شد

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: بهنام دارایی‌زاده، آفاق ربیعی‌زاده، جواد عباسی تولی

صفحه بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

نکند؛ بل که خشونت و سرکوب‌های سیاسی را در ابعاد بسیار گسترده‌تر و دوران طولانی‌تر تکرار کند.

عدالت انتقالی و اصول ابتدایی دادخواهی

«عدالت انتقالی» تنها در چهارچوب موازین یا استانداردهای پذیرفته شده بین‌المللی ممکن است. به این اعتبار، خواسته‌ها یا مطالبات جنبش دادخواهی نمی‌تواند مطلق باشند. جنبش دادخواهی، تنها زمانی مشروعیت پیدا می‌کند که در چهارچوب اصول و محدودیت‌های پذیرفته شده کار خود را پیش ببرد.

در همین رابطه، باید تاکید کرد که فعالان جنبش دادخواهی نمی‌توانند فرضاً خواهان «مجازات اعدام» یا اجرای مجازات‌های خشن و بدنی باشند. باید بر روی این نکته نیز تاکید کرد که «جنبش دادخواهی»، محدود به اصول پذیرفته شده‌ی مشخصی است. تعریف و به کار بستن این اصول یک کار کارشناسانه مستقل است. لذا خواست و اراده‌ی عموم مردم، یا حتی عموم دادخواهان قرار نیست که معیار باشد. «معیار» اصول پذیرفته شده‌ی حقوق بشری در یک گفتار سکولار و عدالت‌محور است. از طرفی دیگر، جنبش دادخواهی نمی‌تواند با «خون‌خواهی» و «انتقام شخصی» تعریف شود؛ از این جهت، لازم است تکرار شود که جنبش دادخواهی سوییایی «غیرشخصی» داد و به مطالبات تمامی نیروهای پیشرو جامعه مربوط است.

این نکته‌ی درست و قابل دفاعی است که «عدالت انتقالی» مربوط به دوره‌ی «گذار» است. اما این سخن به آن معنا نیست که تلاش برای دستیابی به «عدالت انتقالی»، حتماً باید پس از فروپاشی رژیم‌های استبدادی «شروع» شود.

تجربه‌ی تشکیل «کمیسیون‌های حقیقت‌یاب» در کشورهای مختلف جهان نشان داده است که هرچند این کمیسیون‌ها در دوران بعد از تحولات سیاسی یا انتقال قدرت فعال شده‌اند؛ اما اساس کار آن‌ها، مبتنی بر تلاش‌ها و پروژه‌هایی است که پیش‌تر انجام شده است. پروژه‌های دادخواهی معمولاً زمان‌بر هستند و در بسیاری از مواقع، مدت‌ها قبل از آن که اساساً

دادگاه بین‌المللی مردمی آبان

THE IRAN ATROCITIES

ADNAN

TRIBUNAL

10-14 November 2021

London

به اندازه‌ی کافی «پیشرو» باشد تا بتواند چنین اهداف و برنامه‌هایی را، در راستای حقیقت‌یابی و کمک به جنبش دادخواهی پیش ببرد.

روشن است که صرف تحولات سیاسی یا برخورداری از «پشتوانه‌ی مردمی» اهمیت ندارد. تجربه‌ی انقلاب ۵۷ در ایران نشان داد که یک نیروی ارتجاعی تمامیت‌خواه، بدون کوچک‌ترین درکی از مفهوم «عدالت»، می‌تواند قدرت سیاسی را به گونه‌ای قبضه کند که در نهایت، نه تنها هیچ کمکی به کشف حقیقت و قربانیان خشونت‌های سیاسی گذشته

چرا به «دادگاه‌های مردمی» نیاز داریم؟



بهنام دارایی‌زاده

این «مواجهه با گذشته» باید در چهارچوب‌های مشخص و با اهداف کاملاً روشنی پی‌گیری شود. نیاز هست که یک نیروی سیاسی پیشرو، چنین برنامه‌ها و اهدافی را دنبال کرد. در اس این اهداف، «کشف حقیقت»، «مسئولیت‌پذیری عاملان جنایت‌ها» و «جبران خسارت‌ها» قرار دارد.

به لحاظ سیاسی-تاریخی، «عدالت انتقالی» ناظر به «دوران گذار» است. به این معنا که «عدالت انتقالی»، معمولاً در پی تحولات سیاسی رادیکال و معنادار رخ می‌دهد. به سخنی دیگر، تا هنگامی جامعه هنوز درگیر استبداد، خودکامه‌گی، سرکوب‌های سیاسی یا جنگ‌های داخلی است؛ اساساً دستیابی به «عدالت انتقالی» ممکن نخواهد بود.

نکته مهم این است که شیوه یا چگونگی «گذار سیاسی» اهمیت ثانوی دارد. به این معنا که حتماً لازم نیست «انتقال قدرت» «مسالمت‌آمیز» باشد. برای مثال، لازم نیست که عموم مردم در جریان یک همه‌پرسی شفاف، به یک جنگ داخلی یا استبداد سیاسی «نه» بگویند. پنهان نمی‌توان کرد که در عمل هم این اتفاق کم‌تر می‌افتد.

واقعیت این است که یک جامعه می‌تواند از طریق انقلاب یا حتی کودتا، به اهداف مشروع «عدالت انتقالی» دست یابد. مهم این است آن نیروی سیاسی که به قدرت می‌رسد،

برگزاری «دادگاه بین‌المللی مردمی آبان» بار دیگر این پرسش تکراری را پیش کشید که تشکیل چنین دادگاه‌هایی چه اهمیتی دارد؟ چرا شمار زیادی از پژوهش‌گران حقوقی، وکلای دادگستری، رسانه‌ها، احزاب سیاسی، نهادهای حقوق بشری و حتی نمایندگان دولت‌ها، اخبار و گزارش‌های این دادگاه‌ها را دنبال می‌کنند؟

در این یادداشت، سعی می‌شود به میانجی و با اشاره مفهوم «عدالت انتقالی»، اهمیت برگزاری «دادگاه‌های مردمی» توضیح داده شود. هدف این است که خواننده‌ی علاقه‌مند به پژوهش‌های سیاسی-حقوق بشری، در پایان این یادداشت، به این جمع‌بندی برسد که «دادگاه‌های مردمی» را نمی‌توان به دادگاه‌هایی «نمادین» یا برنامه‌هایی «صوری» و «تشریفاتی» فروکاست.

«عدالت انتقالی» چیست؟

هدف نهایی «جنبش دادخواهی»، دستیابی به «عدالت انتقالی» است. «عدالت انتقالی» زمانی معنا می‌یابد که جامعه پس از «گذار» از یک دوره‌ی سرکوب و خشونت‌های سیاسی، یا جنگ‌ها داخلی، و... قرار است با «گذشته» خود مواجه شود.

دادگاهی به طور عینی و قانونی تشکیل شود، با ابتکار عمل فعالان، پژوهش‌گران و سازمان‌های حقوق بشری شروع می‌شوند.

کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، معمولاً برای یک دوره‌ی زمانی کوتاه و مشخص کار می‌کنند و در نهایت هم نتیجه‌ی کار خود را در قالب گزارش‌هایی رسمی به اطلاع مقام‌ها دولت وقت، رسانه‌ها و عموم مردم می‌گذارند.

اما واقعیت این است که در بیش‌تر مواقع، کار کمیسیون‌های حقیقت‌یاب مبتنی بر داده‌ها، شواهد، اسناد یا گزارش‌هایی است که قبلاً گردآوری شده است. از این جهت است که فعالیت روزنامه‌نگاران تحقیقی، سازمان‌های حقوق بشری و فعالان سیاسی تبعیدی و پژوهش‌گرانی که در دانشگاه‌ها و سایر مراکز تحقیقی کار می‌کنند مهم می‌شود؛ چرا که در نهایت، نتیجه‌ی کار جمعی آن‌ها در تدوین گزارش‌های «کمیسیون‌های حقیقت‌یابی» بازتاب می‌یابد. در مرحله‌ی بعدی، پس از تشکیل دادگاه‌های قانونی و صلاحیت‌دار، این گزارش‌ها در صدور احکام قضایی استفاده خواهد شد.

واقعیت این است که تریبونال‌ها یا «دادگاه‌های مردمی»، پیشینه‌ی معتبر قابل دفاعی دارند. دادگاه راسل، در نوامبر سال ۱۹۶۶ به منظور رسیدگی به اتهام‌های آمریکا و متحدانش در جریان جنگ ویتنام تشکیل شد. این دادگاه، که بعدها به یک نهاد دائمی بین‌المللی تبدیل شد، نمونه‌ی موفق‌ی از تشکیل چنین دادگاه‌هایی است. صرف تشکیل این دادگاه‌ها واجد یک پیام سیاسی و توصیف‌کننده یک خلا و وضعیت غیرعادی است. نیازی است که پاسخ داده نشده است.

برگزاری این دادگاه‌ها، به خودی خود معرف خفقان موجود و ناکارآمدی و وابسته‌گی دستگاه قضای جمهوری اسلامی است. در یک دادگاه و مرجع قضایی عادی، معمول این است که متهمان پرونده از روی شرم، چهره‌ی خود را می‌پوشانند یا در برابر دوربین‌ها و خبرنگاران حاضر نمی‌شوند؛ اما در «دادگاه آبان»، بارها دیده شد که این شاکیان یا شاهدان سرکوب اعتراض‌های بودند که بنا به ضرورت یا برای حفظ امنیت، با چهره‌هایی پوشیده و هویت‌هایی ناشناس ظاهر شدند. خود

این امر نشان دهنده تداوم سرکوب و ضرورت شکست این فضای خفقان‌آور است.

واقعیت این است که دادگاه‌های «ایران تریبونال» و «دادگاه بین‌المللی مردم آبان» که از سوی بخشی از کنش‌گران و سازمان‌های حقوق بشری ایرانی، با مشارکت حقوق‌دانان و کارشناسان خارجی، تشکیل شد، از جمله تلاش‌های معنادار و دستاوردهای مهم «جنبش دادخواهی ایران» به شمار می‌روند. این دادگاه‌ها، واجد پیامدها و نتایج ماندگاری هستند؛ و دقیقاً به اعتبار همین نتایج و پیامدهای عینی قابل دفاع است که نمی‌توان آن‌ها را «نمادین» یا «نمایشی» توصیف کرد.

به باور بسیاری از تحلیل‌گران، مهم‌ترین کارکرد این دادگاه‌ها، کمک عینی و واقعی به پیش‌برد و تأمین «عدالت انتقالی» در آینده ایران است.

گردآوری، طبقه‌بندی و مستندسازی شواهد و اطلاعات به دست آمده، مهم‌ترین دستاورد برگزاری چنین دادگاه‌هایی است. با برگزاری این دادگاه‌ها، شمار بیش‌تری از شاهدان و آن‌هایی که در جریان چگونگی سرکوب‌ها و کشتارها و اعدام‌ها بوده‌اند به این صرافت می‌افتند که روایت‌ها و اطلاعات خود را در میان بگذارند. شمار بیش‌تری از خانواده‌های قربانیان، این شهامت را خواهد یافت تا ساکت نمانند و صدای دادخواهی خود را بلند کند. از طرف دیگر، «دادگاه آبان» لاجرم تنها به سرکوب و رخداد آبان ۹۸ منحصر نخواهد بود. برگزاری این دادگاه، می‌تواند به افشای اطلاعات تازه‌تری از چهار دهه سرکوب سیاسی در ایران بیانجامد و در نهایت درک ما را از ساختار و عوامل سرکوب‌ها تکمیل کند.

تاریخ نشان خواهد داد که در سال‌ها و دهه‌های بعد، فعالان جنبش دادخواهی، حقوق‌دانان، وکلای دادگستری و پژوهش‌گران تاریخی بارها و بارها به نتایج و شواهد گرد آمده در این دادگاه‌ها ارجاع خواهند داد و به رغم همه «حاشیه‌های بی‌اهمیت»، قدردان تلاش‌ها و پی‌گیری‌های برگزارکنندگان این دادگاه‌ها خواهند بود.

حمید صبی: هدف از دادگاه مردمی آبان، سخت‌تر شدن شرایط برای جنایت‌کاران است



آفاق ربیعی زاده

۲۳ آبان‌ماه امسال و به همت سه سازمان «حقوق بشر ایران»، «عدالت برای ایران» و «با هم علیه اعدام» برگزار شد. قاضی زاک یاکوب، فعال شناخته شده ضد آپارتاید و از قضات پیشین دیوان قانون اساسی در آفریقای جنوبی و چند تن از سرشناس‌ترین حقوق‌دانان جهان از جمله الهام سعودی، کارلا فرستمن، کالین روهان، نورسیابانی تاتونسانکا، قضاوت این دادگاه را بر عهده داشتند. ریاست این دادگاه هم بر عهده وین جُرداش، وکیل بین‌المللی حقوق بشر بود.

حمید صبی، حقوق‌دان برجسته ایرانی که خود یکی از اعضای هیئت دادستانی دادگاه مردمی آبان بود، معتقد است این دادگاه «به موقع برگزار شده» و امیدوار است پس از صدور رأی نهایی توسط قضات دادگاه، بتواند آن را به «یک مسأله جهانی» تبدیل کند.

مجله حقوق ما برای بررسی بیشتر دستاوردهای برگزاری دادگاه مردمی آبان، با این حقوق‌دان گفت‌وگو کرده است.

پرسش: به نظر شما برگزاری دادگاه مردمی آبان چه دستاوردهایی به دنبال دارد و برای آمران و عاملان جنایت‌های انجام شده در آبان ۹۸ چه عواقبی در پی خواهد داشت؟

صبی: من فکر می‌کنم دادگاه آبان به موقع برگزار شد. قربانیان کشتار دهه ۶۰ سال‌ها صبر کردند. ۲۵ سال از آن ماجرا گذشته بود تا این فرصت را پیدا کردند که بیابند و داغ دل‌شان را با

شناسایی حق دادخواهی، یکی از مهم‌ترین معیارهای امنیت قضایی شهروندان در هر جامعه است و می‌توان آن را جزو حقوق اساسی شهروندان هر کشور محسوب کرد. در بسیاری از اسناد بین‌المللی از جمله در ماده ۱۰ از اعلامیه جهانی حقوق بشر بر دسترسی «کامل و برابر» همه افراد به دادرسی آشکار و عادلانه توسط یک دادگاه بی‌طرف و مستقل، تأکید شده است. در ایران اما علی‌رغم به رسمیت شناخته شدن حق دادخواهی در قانون اساسی، دادخواهان همواره با سرکوب و برخوردهای امنیتی مواجه شده‌اند.

به دلیل عدم استقلال قوه قضاییه و همچنین نفوذ سازمان یافته نهادهای امنیتی در ساختار نظام قضایی ایران، حدود دو سال پس از سرکوب خشونت‌بار خیزش سراسری آبان‌ماه، هنوز به هیچ‌یک از پرونده‌های جنایات روی داده در آن بازه زمانی، در دادگاه‌های داخل کشور رسیدگی نشده است.

در این میان جنبش دادخواهی ایران با برگزاری یک دادگاه نمادین تحت عنوان «دادگاه مردمی آبان» در خارج از مرزهای کشور، نخستین گام اساسی را در ثبت شهادت شاهدان و دادخواهی خانواده‌های جان‌باختگان و بازماندگان اعتراضات سراسری آبان‌ماه ۱۳۹۸ برداشته است.

دادگاه بین‌المللی مردمی اعتراض‌های آبان ۹۸ که از آن با عنوان «آبان تریبونال» هم یاد می‌شود، برای رسیدگی به دادخواهی قربانیان و خانواده‌های جان‌باختگان در فاصله زمانی ۱۹ تا

جهانیان مطرح کنند.

البته برای اعتراضات سراسری آبان، فاصله دو سال هم کم نیست. دو سال است که این شاهدان در بدبختی و سختی و فشار رژیم زندگی می‌کنند. اما دادخواهی به موقع دارد انجام می‌گیرد و از این نظر جنبه مثبتی برای این دادخواهان دارد.

در مورد ایجاد محدودیت برای مقامات حکومت ایران هم باید ببینیم که رأی دادگاه چه خواهد بود و نمی‌توان از پیش قضاوت کرد. امیدواریم که بتوانیم بعد از صدور رأی دادگاه، آن را به یک مسأله جهانی تبدیل کنیم و از دولت‌های مختلف بخواهیم که عاملان جنایات آبان را تحریم کرده و آن‌ها را در کشور خود راه ندهند. هدف این است که تا آنجا که می‌توانیم زندگی را برای آن‌ها سخت کنیم تا حداقل یک عامل بازدارنده باشد. نمی‌دانم موفق می‌شویم یا خیر اما تاکنون که تأثیر چندانی در نحوه تفکر سران حکومت ایران نداشته و هر دفعه جری‌تر می‌شوند و اعلام می‌کنند کشتیم که کشتیم، چه کسی می‌خواهد ما را محاکمه کند؟ امیدواریم که این نماینده مجلس [حسن نوروزی، نایب رئیس کمیسیون قضایی مجلس] آخرین شخصی باشد که چنین حرفی را می‌زند و کسی جرأت نکند با این وقاحت، خانواده‌های داغدار را آزار دهد. این توهینی است به این خانواده‌ها. من جای خانواده‌های جان‌باختگان آبان نبوده‌ام اما می‌توانم احساس کنم که گفته‌های این نماینده مجلس تا چه میزان برای آن‌ها سخت و توهین‌آمیز است. سال‌هاست که این رژیم با خانواده‌های داغدار به این ترتیب برخورد می‌کند و به هیچ وجه کرامت آن‌ها را در نظر نمی‌گیرد.

پرسش: حسن نوروزی، نایب رئیس کمیسیون قضایی مجلس ایران، در جریان برگزاری دادگاه مردمی آبان و در واکنش به این اقدام مدافعان حقوق بشر گفته است: «یکی از آن‌هایی که به مردم شلیک کرد من بودم، ما کشتیم. حالا چه کسی می‌خواهد ما را محاکمه کند؟» به نظر شما آیا چنین واکنش‌هایی، تأثیری هم در نتیجه دادگاه خواهد داشت؟

صبی: دادگاه مستقل از این اظهارات رأی خواهد داد. روش کار دادگاه‌هایی نظیر دادگاه مردمی آبان این نیست که وارد این جزئیات سیاسی شوند و تا آنجایی که لازم است به مسائل اساسی و حقوقی توجه می‌کنند.



پرسش: لطفاً درباره ساختار حقوقی دادگاه هم توضیح دهید. شاهدان آبان تریبونال چه کسانی بودند و بر چه اساسی به این دادگاه احضار شدند؟

صبی: به طور کلی، در هر دادگاه، شهود به دو دسته تقسیم می‌شوند. یک دسته شاهدان عینی (Fact Witness) هستند که به نحوی در محل رویدادها حضور داشته‌اند و دسته دیگر شهودی هستند که به عنوان کارشناس (Expert Evidence) در دادگاه حضور پیدا می‌کنند. در همه دادگاه‌ها از هر دو نوع شاهد استفاده می‌شود چرا که شهادت هر دو گروه لازم است و جنبه‌های مختلف از دعوی را نشان می‌دهد. این امری طبیعی در تمام سیستم‌ها است و حتی در دادگاه‌های معمولی هم یک عده کارشناس درمورد مسایل مطرح شده وجود دارد و یک عده هم شاهدان عینی هستند که برای بیان واقعیت حضور دارند.

پرسش: شهادت‌نهادانی که در دادگاه مردمی آبان حضور داشتند، چگونه راستی‌آزمایی شد؟

صبی: البته که راستی‌آزمایی کار بسیار مشکلی بود چراکه اکثر شهود ما در ایران بودند و همکاران ما باید با تک تک آن‌ها

می‌توان آبان تریبونال را با ایران تریبونال مقایسه کرد؟ اگر بله، این دادگاه‌ها چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

صبی: به نظر من، هر دو دادگاه، نشان‌دهنده جنایات جمهوری اسلامی‌اند و هر دو با زحمت بسیار از طرف آسیب‌دیدگان برگزار شد. این دو دادگاه شباهت‌هایی دارند ولی تفاوت‌های زیادی هم میان آن‌ها وجود دارد. در ایران تریبونال زندانی‌ها دیدگاه‌های سیاسی داشتند که آن‌ها را از زندانیان دیگر متمایز می‌کرد. در دادگاه مردمی آبان اما بیشتر، افراد بدون دیدگاه سیاسی به میدان آمده، تیر خورده یا مورد ضرب و شتم قرار گرفته، حضور داشتند. بنابراین دیدگاه‌شان در رابطه رژیم متفاوت بود. معترضان آبان الزاماً مخالف رژیم نبودند اما در دادگاه ایران تریبونال اکثر شاهدان در دسته مخالفان رژیم قرار داشتند. البته این مسأله تأثیر مهمی در امر دادخواهی ندارد چرا که فرقی نمی‌کند که موافق یا مخالف رژیم باشند. مسأله درباره برخوردی است که یک رژیم با اتباع خود داشته است.

تفاوت بسیار بزرگی که این دادگاه با سایر دادگاه‌هایی که من در آن‌ها تجربه دارم داشت این بود که شهود، از ایران علیه دولتی که با خشونت به آن‌ها حمله کرده بود، شهادت می‌دادند. این یک مسأله استثنایی بود. به عنوان مثال در دادگاه اویغورها، در دادگاه Falun Gong مربوط به چاینا تریبونال و حتی ایران تریبونال، هیچ فردی از داخل چین یا ایران نبود که به عنوان شاهد در دادگاه شهادت دهد. بنابراین در این مورد با یک مسأله استثنایی مواجهیم که نشان می‌دهد فشار به جایی رسیده که شهود با وجود خطرات، ابایی از اعلام شهادت‌شان ندارند. این مسأله از نظر تأثیری که می‌تواند بر نتیجه دادگاه داشته باشد، بسیار جالب توجه است.

پرسش: به نظر شما آیا پیوندی میان دادخواهی برای جان‌باختگان و آسیب‌دیدگان آبان با دادخواهی برای سایر جنایات صورت گرفته توسط حکومت ایران وجود دارد؟

صبی: همه این دادخواهی‌ها یکی است و همه به دنبال این موضوع هستند که اعلام کنند رژیم حاکم بر ایران چه بلاهایی را بر آن‌ها تحمیل کرده است. فارغ از هر دیدگاه و عقیده سیاسی، همه دادخواهند و همه در یک جهت حرکت می‌کنند. من تفاوتی زیادی میان آن‌ها نمی‌بینم.

صحبت می‌کردند. اکثر صحبت‌هایی که شده بود از طریق ویدئوهای زیادی که به دست‌مان رسید، قابل تأیید بود. زمانی که یکی از شهود اعلام کرده بود که تیر خورده، ویدئویی که در آن به پای او تیر زده بودند را پیدا کردیم. به این ترتیب چند موردی وجود داشت که می‌شد راستی‌آزمایی کامل کرد اما در همه موارد به این ترتیب، ممکن نبود.

در رابطه با شهودی که نمی‌توانستیم به طور دقیق درمورد آن‌ها پروسه راستی‌آزمایی را طی کنیم، ناچار شدیم که فعلاً آن‌ها را کنار بگذاریم. همچنین بیش از ۲۰۰ نفر تماس گرفته بودند که شهادت تمام آن‌ها را هم بررسی کردیم و هر جا که دیدیم ممکن است نتوانیم بپذیریم که ۱۰۰ درصد شهود واقعی هستند، آن‌ها را کنار گذاشتیم. البته دلیل بر این نبود که آن‌ها دروغ می‌گفتند یا اشتباه می‌کردند ولی چون ما مطمئن نبودیم، ناچار شدیم این‌گونه عمل کنیم.

پرسش: شما به عنوان وکیل حقوق بشر، سابقه کار در دادگاه‌نمادین «ایران تریبونال» را هم در کارنامه خود دارید و در ابتدای گفتگو به این دادگاه هم اشاره‌ای کردید. آیا



انجام شده، مبنای تحقیقات قرار گرفته است. ایران علاوه بر استفاده از گلوله‌ها و سلاح‌های جنگی علیه معترضان که مسلح نبوده‌اند و خطر آبی را متوجه جان و سلامت کسی نمی‌کردند، از سلاح‌های دیگری هم استفاده کرده‌اند.

تحقیق من منحصر در رابطه با استفاده از سلاح‌های کمتر کشنده بود بنابراین در رابطه با بخش سلاح‌های کشنده که تحقیقات زیادی در مورد آن صورت گرفته، صحبتی نمی‌کنم. برای مثال سلاح‌هایی که توسط مأموران امنیتی در جریان اعتراضات سراسری آبان استفاده شده، شامل ساچمه‌های فلزی و پلاستیک فشرده در اندازه‌های مختلف بوده است. این ساچمه‌های فلزی که به آن‌ها «گلوله‌های پرنده‌زی» گفته می‌شود اساساً برای شکار طراحی شده‌اند. یعنی پوست و بافت نرم بدن را پاره می‌کنند و وارد بدن می‌شوند. این گلوله‌ها زمان شلیک، پخش می‌شوند و در واقع قابلیت هدف‌گیری ندارند. وقتی که شلیک می‌شوند این توانایی را دارند که نقاط مختلف بدن یک شخص یا افراد متعددی را مجروح کنند. این سلاح‌ها اساساً و مطلقاً نباید علیه انسان‌ها استفاده شوند از جمله در بستر اعتراضات. به‌کارگیری این‌گونه سلاح‌ها غیر قانونی است و جراحات‌های وحشتناکی از جمله نابینا شدن چشم ایجاد می‌کنند.

اسنادی که من مطالعه کردم نشان می‌دهد که تنها در یک شهر در فاصله چند روز بیش از ۸۰ نفر برای دریافت درمان چشم که ناشی از جراحات گلوله‌های ساچمه‌ای بوده، به مراکز درمانی مراجعه کرده‌اند که چندین نفر از این مجروحان در زمانی که جراحات وارد شده کودک و زیر سن ۱۸ سال بودند.

از طرف دیگر عکس‌هایی که توسط شاهدان ارسال شده نشان می‌دهد که در برخی موارد حتی ۴۰-۵۰ زخم در نقاط مختلف بدن شان ایجاد

انجام شده، مبنای تحقیقات قرار گرفته است. ایران علاوه بر استفاده از گلوله‌ها و سلاح‌های جنگی علیه معترضان که مسلح نبوده‌اند و خطر آبی را متوجه جان و سلامت کسی نمی‌کردند، از سلاح‌های دیگری هم استفاده کرده‌اند.

تحقیق من منحصر در رابطه با استفاده از سلاح‌های کمتر کشنده بود بنابراین در رابطه با بخش سلاح‌های کشنده که تحقیقات زیادی در مورد آن صورت گرفته، صحبتی نمی‌کنم. برای مثال سلاح‌هایی که توسط مأموران امنیتی در جریان اعتراضات سراسری آبان استفاده شده، شامل ساچمه‌های فلزی و پلاستیک فشرده در اندازه‌های مختلف بوده است. این ساچمه‌های فلزی که به آن‌ها «گلوله‌های پرنده‌زی» گفته می‌شود اساساً برای شکار طراحی شده‌اند. یعنی پوست و بافت نرم بدن را پاره می‌کنند و وارد بدن می‌شوند. این گلوله‌ها زمان شلیک، پخش می‌شوند و در واقع قابلیت هدف‌گیری ندارند. وقتی که شلیک می‌شوند این توانایی را دارند که نقاط مختلف بدن یک شخص یا افراد متعددی را مجروح کنند. این سلاح‌ها اساساً و مطلقاً نباید علیه انسان‌ها استفاده شوند از جمله در بستر اعتراضات. به‌کارگیری این‌گونه سلاح‌ها غیر قانونی است و جراحات‌های وحشتناکی از جمله نابینا شدن چشم ایجاد می‌کنند.

اسنادی که من مطالعه کردم نشان می‌دهد که تنها در یک شهر در فاصله چند روز بیش از ۸۰ نفر برای دریافت درمان چشم که ناشی از جراحات گلوله‌های ساچمه‌ای بوده، به مراکز درمانی مراجعه کرده‌اند که چندین نفر از این مجروحان در زمانی که جراحات وارد شده کودک و زیر سن ۱۸ سال بودند.

از طرف دیگر عکس‌هایی که توسط شاهدان ارسال شده نشان می‌دهد که در برخی موارد حتی ۴۰-۵۰ زخم در نقاط مختلف بدن شان ایجاد

بهار صبا: برگزاری دادگاه مردمی آبان، اقدام مهمی برای مقابله با بحران مصونیت است

آفاق ربیعی زاده

جدی و حتی در مواردی مرگ شده است. حقوق ما با این حقوق‌دان گفت‌وگو کرده است.

حقوق ما: گزارش شما در دادگاه مردمی آبان، به‌طور مشخص در رابطه با استفاده از «سلاح‌های کمتر کشنده» یا «بالقوه کشنده» توسط نیروهای امنیتی در جریان اعتراضات سراسری آبان بود. از چه روش‌هایی برای جمع‌آوری و راستی‌آزمایی داده‌های مندرج در این گزارش استفاده کرده‌اید؟

بهار صبا: گزارشی که من به دادگاه ارائه کردم در رابطه با استفاده از سلاح‌هایی است که در ادبیات حقوق بین‌الملل با عنوان «سلاح‌های کمتر کشنده» از آن‌ها یاد می‌شود. این سلاح‌ها، در واقع سلاح‌های بالقوه کشنده هستند.

تحقیقاتی که من انجام دادم نشان می‌دهد که در کنار گلوله‌های جنگی و سلاح‌های گرم که به شکل گسترده در جریان اعتراضات آبان استفاده شده و در طی چند روز منجر به کشتاری بسیار هولناک شده است، از سلاح‌های کمتر کشنده یا بالقوه کشنده هم در سطح بسیار وسیع و به شکل غیرقانونی استفاده شده بود. استفاده از این سلاح‌ها که برخی از آن‌ها غیرقانونی هستند باعث ایجاد جراحات‌های بسیار جدی و حتی در مواردی مرگ شد. در برخی موارد این جراحات‌ها غیرقابل بازگشتند و این مسأله، درد و رنج روانی و جسمی زیادی را برای مجروحین برجا گذاشته است.

تحقیقات من همچنین بر اساس مطالعه شهادت ۶۷ نفر از شهود مردمی آبان، گزارش خود را درباره به‌کارگیری «سلاح‌های بالقوه کشنده» که در سطح بسیار گسترده و به شکل غیرقانونی توسط مأموران امنیتی در جریان اعتراضات آبان ۹۸ به‌کار گرفته شده بود، ارائه داد. این پژوهشگر حقوق بشر معتقد است استفاده از این سلاح‌ها که برخی از آن‌ها غیرقانونی هستند، باعث ایجاد جراحات‌های بسیار

بر پایه شواهد موجود، جنایت‌های انجام شده در جریان اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸، از جمله خونبارترین نمونه از سرکوب خشونت آمیز شهروندان در ایران پس از روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی است.

با تصمیم شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران سه قوه، نرخ بنزین از بامداد ۲۴ آبان ۱۳۹۸ در ایران سه برابر شد. این اقدام، آغازگر یک خیزش سراسری در ایران بود که نهادهای امنیتی را وادار کرد برای سرکوب آن در کمتر از یک هفته با قطع سراسری شبکه اینترنت، دست به کشتار وسیع معترضان در بیش از ۱۰۰ شهر و ۲۹ استان کشور بزنند.

بررسی شواهد و مدارک منتشر شده از اعتراضات سراسری آبان نشان می‌دهد نیروهای امنیتی در مقایسه با عملکردشان در برخورد با اعتراضات مردمی در دوره‌های پیشین، این بار به شکل مشهودی از همان روزهای اول، با اسلحه‌های جنگی و به‌صورت مستقیم به‌سوی شهروندان معترض شلیک کرده‌اند.

همچنین بررسی تصاویر اعتراضات حاکی از این است که مأموران امنیتی، انواع سلاح‌های ساچمه‌ای و گاز اشک آور را که عمدتاً در اختیار پلیس قرار دارد، به‌نحوی غیر متعارف علیه شهروندان معترض به‌کار گرفته‌اند.

بهار صبا، حقوق‌دان و پژوهشگر حقوق بشر در سومین روز از دادگاه مردمی آبان، گزارش خود را درباره به‌کارگیری «سلاح‌های بالقوه کشنده» که در سطح بسیار گسترده و به شکل غیرقانونی توسط مأموران امنیتی در جریان اعتراضات آبان ۹۸ به‌کار گرفته شده بود، ارائه داد.

این پژوهشگر حقوق بشر معتقد است استفاده از این سلاح‌ها که برخی از آن‌ها غیرقانونی هستند، باعث ایجاد جراحات‌های بسیار

شده است. نه تنها در همان زمان، این جراحت‌ها بسیار دردناک و جدی بوده بلکه به دلیل عدم دریافت درمان به خاطر نگرانی افراد از دستگیر شدن به هنگام مراجعه به مراکز درمانی، عوارض بلند مدتی را هم تحمل کرده‌اند. نمونه‌هایی از این عوارض عفونت‌های مکرر، بی‌حسی در انگشتان و مشکلاتی از این دست است.

علاوه بر اینکه به‌کارگیری این سلاح‌ها اساساً غیرقانونی است، سلاح‌های دیگری مثل باتون و گاز اشک‌آور هم در سطح بسیار وسیع و به شکل غیرقانونی علیه شهروندان استفاده شده بود. برای مثال نیروهای امنیتی با باتون عابران و رهگذران را تنها به قصد متفرق کردن‌شان، از جمله در نقاط حساس بدن مثل سر، صورت و گردن مورد ضرب و جرح قرار داده‌اند. همچنین گازهای اشک‌آور بسیار زیاد و به شکل مستقیم به داخل جمعیت شلیک شده که در برخی موارد مخازن گاز اشک‌آور به افراد اصابت کرده و باعث جراحت شده است. در برخی موارد مخازن گاز اشک‌آور به داخل خانه‌ها شلیک شده از جمله خانه کسانی که به معترضان که در حال گریز بوده‌اند، پناه داده‌اند. گاز اشک‌آور به هیچ عنوان نباید در داخل فضاهای بسته استفاده شود چراکه خطر خفگی بسیار بالایی دارد.

بررسی انواع سلاح‌های مورد استفاده و شکل استفاده از آن‌ها، مصداق شکنجه و سایر بد رفتاری‌هاست بدین معنا که نیروهای حکومتی و امنیتی به شکل عامدانه، به خاطر شرکت در آنچه که به آن اعتراضات غیرقانونی می‌گویند و به قصد تنبیه معترضان و عابران و برای ارعاب و اجبار آن‌ها به ترک صحنه اعتراضات و همچنین به دلایل تبعیض‌آمیز و به خاطر عقاید سیاسی آن‌ها، بر آنها اعمال درد و رنج شدید کرده‌اند. در مجموع، به‌کارگیری یا نحوه به‌کارگیری این سلاح‌ها، غیرقانونی و در عهده موارد به هدف متفرق کردن غیرقانونی شهروندان بوده است. همان‌طور که در بالا اشاره کردم، در اعتراضات آبان ۹۸، سلاح‌هایی که باید مطلقاً ممنوع اعلام شوند، استفاده شدند و سلاح‌های دیگر هم به شکل غیرقانونی به‌کارگیری شده‌اند.

این نکته را هم اضافه کنم وقتی از شکنجه حرف می‌زنیم ممکن است منحصر شرایط حاکم بر پاسگاه پلیس، زندان یا بازداشتگاه‌ها به ذهن تداعی شود اما رویه قضایی بین‌المللی خصوصاً در پرونده‌هایی که توسط دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشری مثل دادگاه اروپایی حقوق بشری و دادگاه آمریکایی حقوق بشری مورد بررسی قرار می‌گیرد، نشان می‌دهد که به شکل فزاینده‌ای استفاده غیرقانونی از قوه قهریه در اعتراضات توسط نیروی پلیس می‌تواند مصداق شکنجه باشد.

برای مثال در یک پرونده در دادگاه اروپایی حقوق بشری تشخیص داده شد که استفاده از باتون توسط پلیس علیه معترضان مسالمت‌جو، مصداق شکنجه است. در پرونده دیگری در رابطه با ایتالیا دادگاه تشخیص داد که شلیک مستقیم مخازن گاز اشک‌آور

در تظاهراتی که مسالمت‌آمیز محسوب می‌شد، نقض ممنوعیت شکنجه و سایر بد رفتاری‌ها صورت گرفته زیرا اگرچه استفاده از گاز اشک‌آور می‌توانسته استفاده مشروع داشته باشد اما چون به شکل مستقیم پرتاب شده‌اند و به افراد برخورد کرده، حق افراد در آزادی از شکنجه و سایر بد رفتاری‌ها، نقض شده است.

حقوق ما: به نظر شما، برگزاری این دادگاه در آینده چه دستاوردی در پی خواهد داشت؟

بهار صبا: دادگاه‌های مردمی ابتکار و اقدام مهمی هستند در بستری که مصونیت تقریباً مطلق وجود دارد. در رابطه با ایران می‌دانیم که پس از گذشت دو سال از اعتراضات ۹۸ و سرکوب خشونت‌آمیز این اعتراضات، مقامات ایران نه تنها به درخواست جامعه بین‌المللی پاسخ نداده و هیچ‌گونه تحقیقاتی در رابطه با کشته‌شدگان، مجروحان و کسانی که زندانی شده‌اند، صورت نگرفته بلکه در طی این دو سال، کسانی که خواستار پیگیری پرونده‌های عزیزان‌شان شده‌اند و دادخواهی کرده‌اند هم مورد اذیت و آزار و پیگرد قرار گرفته‌اند.

بنابراین برگزاری دادگاه مردمی آبان اقدام بسیار مهمی برای مقابله با این بحران ادامه‌دار و مصونیت همه‌جانبه است. اسناد و مدارک ارائه شده از جمله شهادت‌های شاهدان عینی و همچنین گزارش‌های مفصل شاهدان کارشناس و اسناد دیگر مثل گزارش‌هایی که سازمان‌های حقوق بشری در دو سال گذشته جمع‌آوری کرده و مورد تحقیق قرار داده‌اند توسط چندین قاضی و حقوق‌دان برجسته بین‌المللی در جریان پنج روز استماع، مورد موشکافی و بررسی قرار گرفت. همچنین این دادگاه برای دریافت اسناد بیشتر همچنان باز است. نهایتاً تمام این اسناد و همچنین حکمی که اوایل سال ۲۰۲۲ میلادی قرار است توسط این دادگاه صادر شود، بسیار مهم است. همچنین از این سو که اقدامی است در جهت اینکه آنچه بر جان‌باختگان، خانواده‌هاشان و مجروحان گذشت را به یاد آوریم و فراموش نکنیم. از سوی دیگر، اسناد ارائه شده در دادگاه مردمی آبان مهم هستند و می‌توانند در دادگاه‌هایی که صلاحیت بررسی داشته باشند، مورد استفاده و استناد قرار بگیرند.

همچنین این اسناد می‌تواند در دادگاه‌های کشورهای دیگر که اصل صلاحیت جهانی را اعمال می‌کنند یعنی به‌جای‌ترین جرایم مانند «جنایت علیه بشریت، شکنجه و قتل فراقضایی» می‌توانند رسیدگی کنند، فارغ از اینکه جرم کجا ارتکاب یافته یا فرد مظنون و قربانی چه تابعیتی دارد، مورد رسیدگی قرار گیرد. همان‌طور که می‌دانیم، اسناد ارائه شده به دادگاه ایران تریبونال، در حال حاضر در پرونده حمید نوری مورد استفاده قرار می‌گیرند بنابراین برگزاری دادگاه مردمی آبان، اقدام بسیار مهمی برای مقابله با بحران مصونیت است.

شادی صدر: برگزاری دادگاه مردمی آبان، گامی بزرگ در جهت روشن شدن حقیقت بود



جواد عباسی تولی

برای ایران و از دست‌اندرکاران برگزاری دادگاه مردمی آبان در لندن، در سومین روز از برگزاری این دادگاه مردمی، گزارش ۵۰ صفحه‌ای خود با عنوان «سلسله مراتب جنایت» را به مقامات دادگاه ارائه کرد. گزارش او که ماحصل بررسی بیش از دو هزار و ۳۰۰ ویدئو مربوط به اعتراضات سراسری آبان بود، ابعاد تازه‌ای از برخی رویدادها از جمله کشتار شهروندان در نینزار ماهشهر در استان خوزستان را در برمی‌گرفت.

حقوق ما، با طرح چند پرسش، با این مدافع حقوق بشر گفتگو کرده است.

حقوق ما: به نظر شما برگزاری دادگاه مردمی آبان چه دستاوردهایی برای جنبش دادخواهی ایران خواهد داشت؟ شادی صدر: از آغاز مرحله جلسات رسیدگی تا اکنون که این جلسات به پایان رسیده و تا زمانی که حکم نهایی اعلام شود، ما با یک روند نسبتاً طولانی دو ساله روبه‌رو هستیم. در طول این مدت مهم‌ترین دستاورد ما همراهی و اعتماد بیش از ۳۰۰ نفر از شاهدان عینی، خانواده‌های جان‌باختگان و زخمی‌شدگان بود. این اعتماد و همراهی و اینکه آن‌ها اسناد و مدارک خود را در اختیار دادگاه قرار دادند، شهادت دادند و این شهادت‌ها را به ثبت رساندند، خود برای جنبش دادخواهی دستاورد بزرگی است. همان‌طور که گفتم این یک روند طولانی بوده و در طول تمام ماه‌های گذشته تعداد این همراهان نه تنها کم نشده که

دادگاه بین‌المللی مردمی آبان روز یکشنبه ۲۳ آبان/۱۴ نوامبر، پس از پنج روز به جلسات خود پایان داد. هیئت قضات این دادگاه قرار است با استناد به مدارک دریافت شده و شهادت‌های ارائه شده، در پرونده‌ای که به‌خاطر سرکوب خشونت‌بار اعتراضات سراسری آبان ۹۸ علیه مقامات حکومت جمهوری اسلامی گشوده شده، رأی خود را در اوایل سال آینده میلادی صادر کنند.

به‌گونه‌ای که در بیانیه پایانی دادگاه اعلام شد، با توجه به واکنش گسترده افکار عمومی به برگزاری این دادگاه و اقدام شجاعانه شاهدان در ثبت شهادت خود، تا زمان صدور حکم، روند جمع‌آوری اسناد و شواهد ادامه خواهد داشت. از سوی دیگر، با وجود شمار بالای گزارش‌های ارائه شده به دادگاه و همچنین علی‌رغم وسعت پژوهش‌های انجام شده، به‌دلیل محدودیت در برقراری ارتباط با همه شاهدان و عدم دسترسی به بسیاری از خانواده‌های جان‌باختگان، امکان ثبت بیشتر شهادت شاهدان میسر نشد. همچنین مقامات جمهوری اسلامی هم تاکنون از اعلام آمار دقیق جان‌باختگان و افشای همه حقایق درباره اعتراضات سراسری آبان ماه ۱۳۹۸ همچنان طفره می‌روند که این امر خود بر نامکشوف ماندن همه حقایق دامن می‌زند. شادی صدر، حقوق‌دان و مدیر اجرایی سازمان عدالت

روز به روز افزوده شده است. بدون اعتماد آن‌ها، بدون اسناد و مدارک و شواهدی که آن‌ها در اختیار دادگاه گذاشتند، این دادگاه نه می‌توانست کاری کند و نه می‌شد نتیجه‌ای در آینده برای آن متصور بود.

بنابراین مهم‌ترین موضوع، تکیه این دادگاه به اعتماد افرادی است که در ایران مستقیماً زندگی‌شان متأثر از جنایات‌ها و فجایع آبان ۹۸ بوده است. اگر فرض کنیم این دادخواهی یک درخت است که روز به روز رشد می‌کند و بزرگ‌تر می‌شود، می‌توانیم بگوییم ریشه این درخت در ایران است و قبل از هر چیز بین خانواده‌ها، شاهدان عینی و معترضانی است که آمدند و شهادت دادند در حالی‌که بسیاری از این معترضان در جریان اعتراضات زندانی و شکنجه شدند و خیلی از آن‌ها زیر حکم هستند، با این همه، شجاعت به خرج دادند و خواستند آن‌چه که در خیابان و زندان‌ها دیدند را در اختیار هیأت قضات قرار دهند.

دستاورد دیگر، اتفاقی بود که در طول جلسات دادگاه اتفاق افتاد. پنج روز تمام از صبح تا شب، میلیون‌ها نفر در ایران به مدد اعضای تیم دادستانی که توانسته بودند شاهدان را با دقت و راستی آزمایشی قبلی، ترتیب‌بندی کنند و همین‌طور به خاطر پوشش گسترده رسانه‌های جریان اصلی، میلیون‌ها نفر در ایران توانستند به صورت مستقیم روند دادرسی و رسیدگی را مشاهده کنند که اتفاق بی‌نظیری بود.

در واقع، در خارج از کشور هیچ‌گاه هیچ حرکت دیگری وجود نداشته که بتواند این تعداد از افراد داخل ایران را در مدت زمانی پنج روز، میخکوب تلویزیون و در حال پیگیری این روند کند. ما از افراد مختلفی در ایران شنیدیم که تعداد زیادی پیگیر روند این دادگاه بودند. حتی زمانی‌که با برخی شاهد‌ها بعد از شهادت‌شان تماس می‌گرفتیم تا از حال روحی‌شان و اینکه مشکلی برای‌شان ایجاد نشده، مطمئن شویم، می‌گفتند امکان پاسخ به تماس‌تان را نداشتیم چون در فضای عمومی‌ای بودیم که اشخاص بسیاری داشتند راجع

به شهادت ما صحبت می‌کردند. به عبارت دیگر، این دادگاه تأثیر خود را در کوچه و خیابان و خانه‌ها گذاشته و همین دستاورد مهمی است. در واقع یک کار تیمی خوب، بین نهادهای حقوق بشری



داشت. در دادگاه‌های دیگر ما بیشتر مواقع تنها صدای قربانیان، جان به در بردگان و خانواده‌های جان‌باختگان را می‌شنیدیم و اطلاعات دقیق و درستی از کسانی که آن طرف در نظام سرکوب بودند یا کسانی که اطلاعاتی از نظام سرکوب داشتند، نمی‌شنیدیم. این مسأله یک ویژگی بسیار بی‌نظیر در روند حقیقت‌یابی است که وجدان کسانی از درون خود این سیستم بیش از این اجازه نداد که با آن همراهی و همکاری کنند و خواستند با شهادت دادن در این راه، وظیفه‌شان را برای بیان حقیقت انجام دهند. تک تک شاهدان دادگاه مردمی آبان به همراه سایر معترضان و خانواده‌های جان‌باختگان، جان‌شان را در خطر انداختند و همه با شجاعت بی‌نظیری در دادگاه حضور یافتند. با این کار بخشی از حقیقت را در اختیارمان قرار دادند. هرچه بگوییم در ستایش شجاعت آن‌ها کافی نیست. اتفاقاتی وجود داشت که در بازداشتگاه‌ها

و مراکز تصمیم‌گیری که دستور شلیک صادر شده بود، رقم خورده و اجرا شده بود. در صورتی که چنین شاهدانی حضور نداشتند، قضات دادگاه نمی‌توانستند این حقایق را با این دقت و جزئیات بشنوند.

نکته آخر به نظرم جنبه بسیار آموزنده‌ای برای همه ما و برای مردم ایران دارد. سالیان سال، نظام دادگستری‌ای در ایران حکومت کرده که از ابتدائی‌ترین و بدیهی‌ترین اصول دادرسی عادلانه بی‌بهره بوده است. مردم ایران در دادگاه مردمی آبان حداقل تصویری از اینکه دادرسی عادلانه چگونه می‌تواند باشد را دیدند.

البته متهمان یعنی مقامات جمهوری اسلامی حاضر نشدند برای دفاع از خود حضور پیدا کنند. از آن‌ها دعوت شده بود و برای‌شان نامه‌ای ارسال شده بود که اگر دفاعی دارند می‌توانند حضوراً و کتبا ارائه کنند. آن‌ها هیچ دفاعی از خود نکردند.

از طرف دیگر همه دیدند که قضات تا چه حد دقیق سوال می‌پرسند و چقدر برای شان مهم است که حقیقت مشخص شود. آن‌ها در بعضی جاها شاهدان را به چالش جدی می‌کشاندند. برای مردمی که سال‌های سال در ایران زندگی کرده و تنها قضات مردی که اکثر آن‌ها تحصیلات حوزوی و نه تحصیلات حقوقی دارند را در جایگاه قضاوت دیده‌اند، ترکیب قضات آبان تریبونال، ترکیبی بدیع و جالب بود. در این دادگاه شش حقوق دان بین‌المللی با تجربه را داشتیم که چهار نفرشان زن بودند. همچنین از نظر نژادی بسیار متنوع بودند. حتی در هیأت قضات کسی را می‌بینیم که معلولیت دارد. همه این ترکیب، ترکیبی است که به جامعه ایران می‌تواند نشان دهد که در یک ایران دموکراتیک، یک دادگاه چگونه می‌تواند باشد و چگونه باید باشد.

حقوق ما: در این دادگاه شما گزارشی در رابطه با کشتار نیزار ارائه کردید. لطفا توضیح دهید که داده‌های این گزارش چگونه جمع‌آوری و راستی‌آزمایی شد؟

شادی صدر: گزارش من به طور مشخص درباره کشتار نیزار نبود. من یک گزارش ۵۰ صفحه‌ای با عنوان «سلسله مراتب جنایت» که تحلیلی بود بر روی روی ویدئوهایی که یا در آن صحنه تیراندازی وجود داشت یا در آن فردی را می‌بینیم که تیر خورده و روی زمین افتاده و از میان بیش از دو هزار و ۳۰۰ ویدئویی که ما از اعتراضات آبان ۹۸ جمع‌آوری کردیم، به هیأت قضات ارائه داده بودم.

من از حدود ۳۰۰ ویدئو مربوط به اعتراضات سراسری آبان، ۱۴۹ ویدئو را توانستم راستی‌آزمایی کنم و بدین ترتیب مکان و زمان دقیق وقوع اتفاقات را مشخص کنم. باقی ویدئوها در دست تحقیق است و هر جا که لازم بوده من برای اطمینان از روند وقایع، در مورد تیراندازی و چگونگی کشتار و اینکه بعد و قبل از ویدئو چه اتفاقاتی افتاده، از اطلاعات شاهدان عینی استفاده کردم.

مثال‌های زیادی در این گزارش ۵۰ صفحه‌ای از اشخاص مختلف وجود دارد. در ارائه شهادتم به طور حضوری در دادگاه وقت محدودی داشتم و چند مثال را انتخاب کردم. موضوع اصلی کار من این بود که بر اساس ویدئوها مشخص کنم کدام یک از نیروهای نظامی و انتظامی در سرکوب معترضان

بودند، در نیزار پناه گرفتند و گلوله به سمت آن‌ها شلیک می‌شود. اینجا در شهادتم گفته‌ام که برخی از گزارش‌ها حاکی از آن است که ۴۰ تا ۱۰۰ نفر از معترضان در آن مکان کشته شده‌اند. دقیقا در شهادتم تأکید می‌کنم که بر خلاف بعضی از گزارش‌های مطبوعاتی و رسانه‌ای به خصوص گزارشی که در نیویورک تایمز منتشر شده، در زمانی که معترضان در نیزار پناه گرفته بودند، هیچ‌یک از معترضان مسلح نیستند. این ادعا که یک معترض از درون نیزار شلیک کرده و باعث شده که نیروهای نظامی و انتظامی و امنیتی در جواب به آن، به معترضان در نیزار شلیک کنند، افسانه است و واقعیت ندارد و ویدئوها و شواهد موجود، این ادعا را تأیید نمی‌کند. ضمن اینکه شاهدان عینی‌ای هم که در آنجا حضور داشته‌اند، ادعای شلیک معترضان به سمت نیروهای امنیتی از درون نیزار را رد می‌کنند.

طبق تحقیقات من، در مدت زمانی که مردم معترض توانستند از میدان بعثت به نیزار برسند و این مسیر را به عنوان راه فرار طی کنند، بدوند، بایستند و سنگ بزنند، تعداد زیادی از معترضان کشته شدند که از آن جمله می‌توان به نام آقای عساکره به عنوان یکی از کشته‌شدگان، اشاره کرد. این بخش در گزارش هم آمده است.

پس از به پایان رسیدن ارائه گزارشم در دادگاه و در اثنای پرسش‌های متنوع و متعدد قضات از من، یکی از قضات پرسید که در مقدمه گزارش گفته‌اید که اکثر قریب به اتفاق اعتراضات آبان ۹۸ مسالمت‌آمیز بوده جز چند اتفاق و مورد کوچک که معترضان یا مردم از اسلحه استفاده کرده‌اند، آیا می‌توانید به آن چند مورد کوچک اشاره کنید؟ به دلیل اینکه من اعلام کرده بودم که باید همه حقیقت را بگویم، باید توضیح می‌دادم.

پیشتر توضیح داده بودم که در نیزار کسی مسلح نبوده است. اینکه ادعا می‌کنند کسی از وسط نیزار شلیک کرده و بعد مأموران نظامی و انتظامی در جواب معترضان را کشته‌اند، درست نیست. من این فرضیه را در گزارشم کاملار رد می‌کنم.

وقتی از من سوال شد که تیراندازی کجا اتفاق افتاده، پاسخ دادم که پس از اتمام کشتار نیزار و با فاصله زمانی که من از حدود آن مطلع نیستم، در بعد از ظهر دوشنبه، نیروهای انتظامی و امنیتی همچنان در منطقه حضور بسیار سنگینی

داشتند و هنوز شلیک گلوله در جریان بود ولی کشتار نیزار به پایان رسیده بود. چند نفر از محله جراحی (محله‌ای که پشت نیزار قرار دارد) از اسلحه‌هایی که در خانه داشتند، علیه مأمورانی که در منطقه حضور داشتند، استفاده کرده‌اند و در این میان یک فرمانده نیروی انتظامی، فرمانده نوپو، کشته شده است.

همچنین به این مورد اشاره کردم که معمولا مردم عرب از این اسلحه‌ها برای مراسم عروسی و عزا استفاده می‌کنند و اسلحه‌های کوچک و سبکی هستند که قابل مقایسه با اسلحه‌های نیروی انتظامی و سپاه که در ماهشهر به کار بردند، نیست. من این را مفصل در گزارشم توضیح داده‌ام.

در این زمینه من با چند نفر از فعالان آن منطقه در همان زمان مصاحبه کردم. آن‌ها به من گفتند که ما جوانان را از این کار بر حذر داشتیم و به آنان گفتیم که به نفع ما نیست. یعنی چنین بحثی هم در آنجا در جریان بود.

من نه تنها بر روی ویدئوها کار کردم بلکه با شاهدان عینی که در آن زمان در منطقه حضور داشتند و اهل جراحی هستند، در همان زمان صحبت کردم. همین‌طور با فعالان عرب حقوق بشری که اینجا هستند، صحبت داشتم و این اطلاعات را با آن‌ها که کانال‌های ارتباطی خود را دارند هم چک کردم. در این مورد مطمئنم که به دلیل فشار و ناراحتی از آن کشتار عظیم برای اینکه جوابی به آن‌ها داده شود یا برای دفاع از خودشان دست به این اقدام زدند.

ما نمی‌دانیم. در آن شرایط شاید مردم احساس می‌کردند که پس از کشتار آن همه آدم در نیزار، ممکن است نیروی انتظامی به شهرک جراحی حمله کند و اینجا باید از خود دفاع می‌کردند. می‌دانیم که یک زن هم در کشتار نیزار جان باخت. آن‌ها می‌توانستند به این فکر کرده باشند که آنجا خانه آن‌هاست و زن و بچه‌های آن‌ها را می‌کشند و حالا باید از خود دفاع کنند. به نظر من این می‌تواند یک دلیل کاملاً قانع‌کننده باشد. اما ما الان از این فرضیه‌ها اطلاعی نداریم.

حقوق ما: آیا گفتن و مطرح کردن این اتفاق در دادگاه، جمهوری اسلامی را در موضع دفاع مشروع قرار نمی‌دهد؟

شادی صدر: مشکل ما این است که تصور می‌کنیم دادگاه یک بستر سیاسی است و اینکه ما به لحاظ سیاسی نباید

کاری کنیم که ممکن است به نفع حکومت تمام شود. به نظر من حقیقت و همه حقیقت می‌تواند ما را نجات دهد و به همه ما در روند دادخواهی، کمک کند. بعضی اوقات حقایق و شنیدن شان دردناک است. این به کشور ما محدود نمی‌شود. وقتی به آمریکای لاتین و کمیسیون‌های حقیقت یاب که بعد از سقوط دیکتاتوری آمریکای لاتین تشکیل شد، نگاه می‌کنیم، جوامع پاره پاره را می‌بینیم که یک همسایه، همسایه خود را کشته و قربانیان اتفاقاً سازمان‌هایی مسلح بوده‌اند. یعنی لزوماً اسلحه داشتن یا استفاده از سلاح، جنایت جمهوری اسلامی را مشروع نمی‌کند.

از نظر حقوقی هم لزوماً این اتفاق، سلب حق حیات انسان‌های بی‌گناه و انسان‌هایی که هیچ خطری را متوجه جان کسی نکرده‌اند را مشروع نمی‌کند. بنابراین من فکر نمی‌کنم که بیان این حقیقت، مشکلی ایجاد کند.

نکته بعدی این است که دادگاه صحنه نمایش نیست. صحنه منازعات سیاسی ما با جمهوری اسلامی هم نیست به این معنا که ما نباید ملاحظات سیاسی خودمان را لحاظ کنیم. من این موضوع را در متن شهادتم نیاوردم. اگر در مورد کشتار نیزار به گزارش‌هایی که در نیویورک تایمز، ایران وایر و دیده‌بان حقوق بشر که در همان سال منتشر شده و گزارشی که کمیسیون عالی سازمان ملل به آن استناد کرده، توجه کنید می‌بینید که کشتار نیزار را اینگونه توصیف کرده‌اند که یک یا چند نفر از نیزار تیری شلیک کرده و مأموران در جواب به آن، مردم را در نیزار قلع و قمع کردند. تمام گزارش من رد کردن این فرضیه است، اینکه این روایت غلط است و بر اساس فکت و بر اساس آن چیزی که ما در ویدئوها به عنوان سند می‌بینیم، نیست. کسی به آن نگاه نمی‌کند و هیچ کس گزارش دو سال پیش را به خاطر نمی‌آورد و دو سال دیگر هم کسی یادش نیست که ما امروز چنین بحثی داشتیم. به نظر من آنچه که می‌ماند و من به عنوان محقق نمی‌توانم از آن فاصله بگیرم حقیقت است. من هم ممکن است از نظر سیاسی با شما هم عقیده باشم ولی اگر قرار باشد من نظر سیاسی‌ام را وارد کنم، گزارش و تحقیق من دیگر ارزشی ندارد و به بیانیه سیاسی تبدیل می‌شود. ممکن است من زمانی بیانیه سیاسی بدهم اما دادگاه مردمی آبان جای چنین کاری نیست.

از طرف دیگر، وقتی قاضی از من سوال می‌کند، نمی‌توانم دروغ بگویم. آنچه که در حال حاضر به من گفته می‌شود این است که چرا دروغ نگفتی؟

در تمامی گزارش‌هایی که از آبان ۹۸ منتشر شده است از جمله گزارش‌های UN، این جمله که اکثریت قریب به اتفاق اعتراضات آبان مسالمت‌آمیز بوده بارها تکرار شده و ما هم آن را تکرار کردیم. وقتی می‌گوییم دو هزار و ۳۰۰ ویدئو از ۲۹ استان داریم، از هزاران اعتراض کوچک و بزرگ در طول کمتر از پنج روز در سراسر کشور صحبت می‌کنیم. از دو استان دیگری هم که ویدئو نداریم به این معنا نیست که اعتراضات در آنجا وجود نداشته است. از این هزاران اعتراض، اکثریت مسالمت‌آمیز بوده جز در موارد خیلی کوچکی که اسلحه در آن وجود داشته است. این جمله همه جا تکرار شده و به نظر می‌رسد تا امروز کسی با آن مشکلی نداشته است. تا زمانی که یک قاضی از من در مورد مثالی از آن موارد سوال می‌پرسد.

حقیقت همیشه مطابق میل ما نیست. من در دادگاه گفتم که نوع برخوردی که در ماهشهر با معترضان صورت گرفته نسبت به سایر نقاط ایران، سنگین‌تر و شدیدتر بود. در جاهای کمی هم برای سرکوب مردم با تانک به خیابان‌ها رفته بودند. از من سوال پرسیده شد آیا فکر می‌کنی که عرب بودن آن‌ها در این نوع برخورد مؤثر بوده که من پاسخ مثبت دادم.

همچنین در مورد یکی از فیلم‌هایی که نشان دادم، توضیح دادم که در فیلم به زبان عربی می‌گویند: «جمهوری اسلامی به ما می‌گوید داعش / نگاه کن / به ما می‌گن داعش ولی خودشان برای مایی که تظاهرات مسالمت‌آمیز می‌کنیم تانک آوردند.»

از من پرسیدند که چرا به آن‌ها می‌گویند داعش و من توضیح دادم که جمهوری اسلامی همیشه در این مناطق می‌گوید که عرب‌ها تروریست هستند و بعد هم که داعش به وجود آمد، اعلام می‌کرد که آن‌ها داعشی هستند تا این توجیه را برای سرکوب شدید آن‌ها به کار ببرند و به همین دلیل هم در ماهشهر این سرکوب شدید را اعمال کردند. این هم بخشی از حرف‌های من و بخشی از حقیقتی است که من به آن باور دارم. تعهد ما به حقیقت است و حق دانستن حقیقت و تمام حقیقت بن مایه دادخواهی است.

محمود امیری مقدم: دادگاه مردمی آبان مانع از پنهان‌کاری حکومت ایران درباره حقایق شد

جواد عباسی توللی

کرد. این نخستین باری است که یکی از متهمان به کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ در دادگاهی رسمی محاکمه می‌شود.

محمود امیری مقدم، پزشک، استاد دانشگاه و مدیر سازمان حقوق بشر ایران به‌عنوان یکی از دست‌اندرکاران اصلی برگزاری دادگاه مردمی آبان در لندن، بر این باور است همان‌گونه که جامعه جهانی از نتایج دادگاه ایران تریبونال نتوانست چشم‌پوشی کند، تلاش‌های دادخواهان در دادگاه مردمی آبان هم روزی به نتیجه خواهد رسید.

مجله «حقوق ما» برای بررسی بیشتر دستاوردهای برگزاری دادگاه مردمی آبان با این مدافع حقوق بشر گفت‌وگو کرده است.

حقوق ما: دستاورد این دادگاه چه خواهد بود؟ به نظر شما این دادگاه چه نتیجه‌ای در بر داشت؟

امیری مقدم: این دادگاه هم دستاورد کوتاه مدت و هم دستاورد بلند مدت دارد. اولین دستاوردی که با برگزاری این دادگاه به آن رسیدیم، امیدبخشی به خانواده‌ها و کسانی که حقوق‌شان در ایران نقض شده از جمله پدران و مادران جانباختگان آبان بود.

این داگاه به خاطر شجاعت این خانواده‌ها و کسانی که شهادت دادند، توانست صدای آن‌ها را در سراسر جهان منعکس کند. دلیل اینکه حکومت اینترنت را قطع کرد و پس

حکومت جمهوری اسلامی ایران، یک دولت غیر پاسخگوست و برگزاری دادگاه‌های مردمی به‌عنوان قدمی در جهت رسیدن به عدالت، یکی از ابزارهایی است که در اختیار دادخواهان قرار دارد.

دادگاه مردمی آبان برای بررسی جرایم انجام شده توسط مقامات جمهوری اسلامی، از جمله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی و ابراهیم رئیسی، رئیس سابق قوه قضائیه در جریان اعتراضات سراسری آبان ۹۸ در فاصله روزهای ۱۹ تا ۲۳ آبان‌ماه سال جاری برگزار شد.

در این دادگاه، با استناد به شهادت شاهدان و شواهد و مدارک به‌دست آمده از خیزش مردمی آبان‌ماه ۱۳۹۸، دست‌کم ۱۳۳ مقام حکومتی در ایران به نقض حقوق بشر و ارتکاب جنایت علیه معترضان، متهم شدند.

جنبش دادخواهی ایران پیش از این هم در پاییز سال ۱۳۹۱، با راه‌اندازی یک کارزار بین‌المللی برای رسیدگی به کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ در جمهوری اسلامی، توانست یک دادگاه مردمی تحت عنوان «دادگاه ایران تریبونال» را در لاهه برگزار کند.

بازداشت حمید نوری (عباسی)، دادیار سابق زندان گوهردشت در سوئد و سپس محاکمه او در شهر استکهلم، پایتخت این کشور (که این‌روزها در جریان است) را می‌توان یکی از دستاوردهای برگزاری دادگاه ایران تریبونال محسوب

از کشتار آبان، خانواده‌ها را تهدید کرد، پنهان کردن حقایق و ناامید کردن آن‌ها و مردم ایران از شنیدن صدا و دادخواهی آنان بود. برگزاری این دادگاه عکس این مسأله را ثابت کرد. نه تنها صدای آنان شنیده می‌شود بلکه حتی امیدی هم وجود دارد که این صداها به برقراری عدالت بیانجامد.

دستاوردهای دیگر این است که حکومت دیگر نمی‌تواند رخ دادن چنین جنایتی را کتمان کند. آن‌ها به وضوح دیدند که دوران آتش به اختیاری و به گلوله بستن و مصونیت آن‌ها گذشته است. از بالاترین سطوح تا آن کسانی که در خیابان مردم را به گلوله بستند، آنان که دستور دادند و کسانی که اجرا کردند، به طور ویژه‌ای پیام به آنان رسید که دنیا نظاره‌گر شماست و دیر یا زود پاسخ‌گو خواهید بود.

امیدواریم که دستاوردهای حقوقی و قضایی هم داشته باشد. ما می‌دانیم که تمامی این شهادت‌نامه‌ها ثبت شده‌اند و روزی قابل استناد خواهند بود. آنچه که ما بدان امیدواریم این است که در این دادگاه مستقل، قضات پس از بررسی تمام شهادت‌هایی که در این چند روز جلسات دادگاه به استماع رسید و تمامی شهادت‌نامه‌هایی که مطالعه کردند و شهادت‌هایی که در سه ماه آینده ارائه داده خواهد شد، تعیین می‌کنند که آیا جنایت علیه بشریت صورت گرفته است یا نه. اگر نتیجه این باشد که جنایت علیه بشریت رخ داده است، آن موقع با استناد به این حکم می‌توان گام‌های بعدی را برداشت. برای مقایسه می‌توان از مورد حمید نوری یاد کرد. او در استکهلم سوئد دستگیر شد و الان در یک دادگاه واقعی محاکمه می‌شود. دلیل آن هم این است که کشتار تابستان ۶۷ توسط قضات دادگاه ایران تریبونال به‌عنوان جنایت علیه بشریت شناخته شد. این فاکتور مهمی است. امیدوار هستیم که دادگاه آبان هم در آینده چنین دستاوردهایی داشته باشد.

حقوق ما: گزارش‌های متعددی از موارد نقض حقوق بشر از طرف سازمان حقوق بشر ایران به دادگاه ارائه شد. لطفاً درباره روش‌های گردآوری داده‌ها توضیح دهید.

تمامی مدارکی که به دادگاه ارائه شد، اکثراً از طریق شاهدان بود. پس از آغاز اعتراضات، ما یکی از سازمان‌هایی بودیم که اتفاقاتی که در سراسر ایران می‌افتاد را مستندسازی می‌کردیم. یکی از معدود سازمان‌هایی بودیم که سعی کردیم به ابعاد



جنایات بپردازیم. برای مثال گزارشی در مورد تعداد حداقل ۳۲۸ کشته در روزهای اول اعتراضات، منتشر کردیم. همه ما می‌دانیم که این یک آمار حداقلی است.

من فکر می‌کنم مهم‌ترین کاری که در ارتباط با اطلاع‌رسانی به دادستانی دادگاه و هیأت قضات انجام شد، این بود که از تمام شاهدین عینی که با آن‌ها در تماس بودیم درخواست کنیم که شهادت‌نامه‌های‌شان را تقدیم دادگاه کنند. بیشترین اطلاعاتی را که دادگاه و هیأت قضات بررسی می‌کند، شاهدین عینی هستند.

زمانی که تعداد زیادی شاهد مستقل از یکدیگر شهادت‌نامه‌شان را ارائه می‌دهند، تصویر کلی‌تری از اتفاقات را به قضات ارائه می‌دهد و کمکی برای بررسی قضایی است. براساس داده‌های یک، دو یا سه نهاد حقوق بشری نمی‌توانند تصمیمی بگیرند و حکمی صادر کنند اما وقتی با تعداد زیادی شاهد عینی و خانواده‌های بازمانده به‌طور مستقیم صحبت می‌کنند و داده‌ها را از این طریق جمع‌بندی می‌کنند، می‌توانند به یک نتیجه‌گیری برسند.

حقوق ما: در این دادگاه بارها نام مقامات و نهادهای قضایی به‌ویژه نام ابراهیم رئیسی برده شد. اگر روزی رئیسی به کشورهایی که اصل صلاحیت جهانی را رعایت می‌کنند سفر کند، چقدر این امکان وجود دارد که بازداشت شده و به محاکمه کشانده شود؟ نظیر اتفاقی که برای پینوشه افتاد یا دستگیری شکنجه‌گران سوری در آلمان. به نظر شما، دولت‌ها تا چه میزان به نتیجه این دادگاه و این دادخواهی توجه نشان خواهند داد؟

امیری مقدم: من فکر می‌کنم جامعه جهانی نمی‌تواند از نتایج این دادگاه چشم‌پوشی کند همانطور که از نتایج دادگاه ایران تریبونال نتوانستند چشم‌پوشی کنند. ابراهیم رئیسی جایگاه ویژه‌ای دارد. او در دادگاه ایران تریبونال هم یکی از متهمان اصلی بود که به جنایت علیه بشریت متهم شد. اگر نتیجه‌گیری قضات در دادگاه مردمی آبان هم به همین شکل باشد، آنگاه رئیسی در دو پرونده مختلف، متهم به جنایت علیه بشریت می‌شود.

در حال حاضر او به خاطر سمت‌اش در دولت، مصونیت دیپلماتیک دارد اما بعد از اتمام مصونیت، در صورت سفر به کشوری که به معاهده دیوان عالی کیفری، کنوانسیون روم،

پیوسته باشد، مثل سوئد و اسپانیا، دادخواهان می‌توانند او را به پای میز محاکمه بکشانند.

من فکر می‌کنم این کار امکان‌پذیر است اما امید ما به این است که حتی کار به آنجا هم نکشد و در واقع در دادگاه‌های کشور خودمان و دادگاه‌های بین‌المللی که می‌توانند در این راستا همکاری کنند، محاکمه او در خود ایران برگزار شود.

حقوق ما: به نظر شما دادخواهی آبان چقدر می‌تواند با دادخواهی دهه شصت و سایر دادخواهی‌ها در پیوند قرار بگیرد؟

امیری مقدم: ما در واقع با یک جنبش رو به رشد دادخواهی در ایران مواجه هستیم. شاید بتوان گفت این جنبش دادخواهی را خانواده‌های اعدام‌شدگان دهه شصت آغاز کردند و حضور خانواده‌های اعدام‌شدگان در گورستان خاوران، این جنبش را رقم زد.

ویژگی بارز دادخواهی درباره اعتراضات آبان اما این است که دادخواهی از همان روزهای اول اعتراضات آغاز شد. انتشار اولین ویدئو از پدر یا مادری که دادخواهی فرزندش را می‌کرد در همان روزهای اول پس از کشتار معترضین آبان شروع شد. یک سال پس از اعتراضات، کار دادگاه مردمی آبان آغاز شد. در شروع کار دادگاه، حتی زخم‌های بعضی افراد هنوز ترمیم و بهبود نیافته بود. من فکر می‌کنم این رشد جنبش دادخواهی در ایران را نشان می‌دهد. این جنبش‌ها به هم ربط دارند و امید ما هم به این است که این جنبش دادخواهی فقط به آبان محدود نشود بلکه تمام آنانی که حقوق‌شان نقض شده با الهام از شجاعت تمام کسانی که با وجود تمام ریسک‌ها آمدند و در دادگاه مردمی آبان شهادت دادند و هر روز شهادت می‌دهند، دادخواهی کنند.

این‌که به چه گناهی به فردی که آمده بود تا با استفاده از حق قانونی خود اعتراض کند، شلیک شده، سوال ساده‌ای است که حکومت سعی می‌کند که پیش از مطرح شدنش، مردم را به سکوت وادار کند. این در مورد تمام موارد نقض حقوق بشر صدق می‌کند. امیدوار هستیم که این دادگاه باعث شود که تعداد بیشتری سکوت‌شان را بشکنند. هرچقدر تعداد دادخواهان بیشتر باشد، قدرت این جنبش بالاتر می‌رود و حکومت مجبور به عقب‌نشینی می‌شود.



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net